

استفاده از مطالعات اجتماعی در سیاست‌گذاری: تجارب جهانی و دل‌شوره‌های ایرانی

زهره بیات‌ریزی^۱

(تاریخ دریافت ۹۰/۱/۳۱، تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۳۰)

چکیده

در سال‌های اخیر، محققان اجتماعی در ایران و جهان تحت فشار بوده‌اند که نتایج تحقیقات خود را کاربردی کنند، به‌نحوی که در خدمت سیاست‌گذاری باشد. در نتیجه، ارزش و اعتبار علوم اجتماعی در فایده آن دیده می‌شود. در این مقاله ابتدا مفاهیم پژوهش، کاربرد و سیاست‌گذاری بررسی می‌شوند و سپس عوامل و موانع تأثیرگذاری پژوهش بر سیاست‌گذاری مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در نهایت، وضعیت خاص ایران، خصوصیات پژوهش‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری و رابطه بین این دو بررسی می‌شوند. از جمله یافته‌های این مقاله آن است که ۱. رابطه پژوهش و سیاست‌گذاری اجتماعی اغلب نامحسوس، غیرمستقیم و بلندمدت است. ۲. کیفیت و موفقیت پژوهش‌های کاربردی و پژوهش‌های پایه‌ای به سرمایه‌گذاری در هر دو بستگی دارد و ۳. کاربردی‌شدن پژوهش‌های اجتماعی در ایران بیش از هر چیز و پیش از هر چیز نیازمند تغییر سازمان سیاسی و اداری پژوهش در کشور است نه تغییر در سطح پژوهشگران.

واژگان کلیدی: پژوهش اجتماعی، کاربرد علم، تحقیقات کاربردی، سیاست‌گذاری.

۱. استادیار دانشگاه آلبرتا، کانادا bayatrizi@gmail.com

مقدمه

تاریخ مطالعات اجتماعی در جهان مدرن نشان می‌دهد که به‌محض ابداع روش‌های کیفی و کمی برای شناخت پدیده‌های جمعی، دولتمردان و دانشمندان، هر دو، به دنبال آن بوده‌اند که با استفاده از این روش‌ها نحوه حکومت و اداره امور در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی شخصی را بهینه کنند. در قرن نوزدهم و حتی پیش از آن، بسیاری از تحقیقات اجتماعی به مطالعه فقر، زاغه‌های شهری، جرم و جنایت، طلاق، خودکشی و امثال آن معطوف بود. بسیاری از دولتمردان از ابتدا از چنین تحقیقاتی استقبال کردند، چون در آن‌ها به دنبال راه‌حلی برای مشکلات و حکومت بهینه بر جامعه می‌گشتند. اما با این همه، رابطه پژوهش و سیاست‌گذاری ساده‌نیست.

سیاست‌گذاران معمولاً اهداف و منافع دارند که با منافع محققان متفاوت است. گاهی بین این دو گروه اعتماد وجود ندارد و گاهی هم زبان مشترکی بین آن‌ها نیست. از همه مهم‌تر اینکه توقعات دو طرف از یکدیگر ناهم‌جا و زیاده از حد است. در سال‌های اخیر نهادها و مؤسساتی که برای پروژه‌های پژوهشی پول خرج می‌کنند، در فایده و تأثیرگذاری تحقیقات اجتماعی شک کرده‌اند. بسیاری از آن‌ها تصور می‌کنند که تحقیقات اجتماعی راه به جایی نمی‌برند و در نتیجه حمایت از آن‌ها سودی ندارد. از آن طرف، محققان نیز معتقدند که سیاست‌گذاران بیشتر به ایدئولوژی پایبندند تا به علم.

تصور عام این است که رابطه بین پژوهش و سیاست خطی و مستقیم است؛ یعنی اینکه اول پژوهش انجام می‌شود، سپس نتایج منتقل می‌شود و سرانجام سیاست‌گذاران و مسئولان تحقیقات را اجرایی می‌کنند و مشکل حل می‌شود. چنین توقعی در عمل به‌ندرت برآورده می‌شود و در نتیجه کل اهمیت تحقیقات اجتماعی زیر سؤال می‌رود.

جامعه‌شناسی در ایران نیز از این بحث‌ها به دور نبوده است. جامعه‌شناسی رسمی در ایران با مؤسسه تحقیقات اجتماعی بنا یافت که از درگیری در جنبه نظری جامعه‌شناسی اجتناب کرد و با تأکید احسان نراقی، بنیان‌گذار اصلی آن، بر تحقیقات عملی و کاربردی تمرکز کرد. اما تاکنون که پنج دهه از آن زمان می‌گذرد، فایده جامعه‌شناسی و مشروعیت آن در چند برهه زمانی مورد سؤال واقع شده است که از آن جمله می‌توان به دوران انقلاب فرهنگی و دوباره در سال‌های اخیر اشاره کرد. از طرفی، منتقدان و مدعیان به درست یا غلط بر آن باورند که جامعه‌شناسی کاری از پیش نبرده و گرهی از مشکلات جامعه نگشوده است و از طرفی دیگر، جامعه‌شناسان از بی‌توجهی سیاست‌گذاران و مسئولان به آثار، یافته‌ها و پیشنهادهای عملی خود شکوه می‌کنند (ر.ک. فانی‌راد، ۱۳۸۸).

در اثر این نارضایتی‌ها که هم در ایران و هم در غرب رواج دارد، از اواخر قرن بیستم، موضوع رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری و راه‌های بهبود آن مورد بررسی فراوان قرار گرفته است که

منجر به پیدایش حوزه جدیدی به نام کاربری علم^۱ شده است. در این رشته تحقیقات ابتدا تصور آن بود که رابطه پژوهش و سیاست‌گذاری باید مستقیم باشد، یعنی باید راهی پیدا کرد که نتایج تحقیقات مستقیماً در عمل پیاده شوند، تا اینکه کرول ویس در دهه ۱۹۷۰ میلادی در سلسله‌ای از مقالات نشان داد که رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری لزوماً مستقیم نیست. به عقیده ویس، تحقیقات به راه‌های مختلف و غالباً به طور نامحسوس و تدریجی بر افکار و رفتار سیاست‌گذاران تأثیر می‌گذارند. به علاوه، محققان این حوزه دریافته‌اند که رابطه بین پژوهشگر و سیاست‌گذار لزوماً نباید مستقیم باشد و در واقع وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های فشار، و سیاست‌پردازان^۲ نقش مهمی در تبدیل علم به عمل دارند. در دهه‌های اخیر، سازمان‌هایی مثل یونسکو و آی.دی.آر.سی (مرکز تحقیقات توسعه بین‌المللی) در کانادا که هر دو مبالغ هنگفتی را صرف تحقیقات کاربردی بخصوص در جهان سوم می‌کنند وارد این مباحث شده‌اند تا شاید راه‌کاری برای بهینه‌کردن رابطه پژوهش با سیاست‌گذاری بیابند و از ائتلاف بودجه پژوهشی خود پیش‌گیری کنند. آی.دی.آر.سی گزارشی تهیه کرد (نیلسون، ۲۰۰۱) که جامع‌ترین منبع در این زمینه است و بحث‌های نظری این حوزه را جمع آوری و تلخیص کرده است و در واقع، قسمت‌های یک و دو مقاله حاضر نیز تا حد زیادی از آن اقتباس شده است. در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ نیز مجله علوم اجتماعی یونسکو (مجله بین‌المللی علوم اجتماعی^۳) و مجله جامعه‌شناسی بریتانیا^۴ نیز وارد این بحث شدند و سلسله مقالاتی را در این زمینه به چاپ رساندند. سخنرانی مایکل بوراوی (رئیس وقت انجمن جامعه‌شناسی آمریکا و رئیس فعلی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی) در سال ۲۰۰۴ با عنوان "جامعه‌شناسی مردم‌مدار" که در سال ۲۰۰۵ در مجله جامعه‌شناسی بریتانیا هم به چاپ رسید (بوروی، ۲۰۰۵؛ بوروی، ۱۳۸۶) به این بحث‌ها دامن زد.

مقاله حاضر در پی آن خواهد بود که با مرور نظریات ارائه‌شده در حوزه کاربری علم، چگونگی رابطه علم و عمل را در سیاست‌گذاری روشن کند و با بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران راه‌کارهایی برای بهینه‌کردن این رابطه ارائه دهد. در این بین، به موضوعات زیر پرداخته خواهد شد: تعریف پژوهش و تعریف کاربرد، ارائه مدل‌های موجود برای فهم رابطه پژوهش و سیاست‌گذاری و فهم فرآیند سیاست‌گذاری، بررسی موانع و عوامل مثبت مؤثر بر عملی‌شدن تحقیقات، شرح وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران و راه‌های بهبود رابطه پژوهش و عمل.

1. Knowledge utilization
2. Policy analysts
3. International Journal of the Social Sciences
4. British Journal of Sociology

بخش اول: تعریفات

پیش از هر چیز باید دید که منظور ما از "پژوهش" و "کاربرد" چیست:

الف) پژوهش چیست؟

به گفته ویس (۱۹۹۱: ۲) پژوهش به سه چیز اطلاق می‌شود: داده‌ها، ایده‌ها و احتجاج^۱ کسانی که پژوهش را منحصر به تولید "داده" می‌دانند نگاهی تکنوکراتیک و ماشینی به پژوهش دارند و تصور می‌کنند که پژوهش داده‌هایی تولید می‌کند که از دیدگاه و نظریه خالی است و می‌شود این داده‌ها را مستقیم به مصرف‌کنندگان داد تا مشکل خود را با آن حل کنند. براساس این دیدگاه، تضاد در نگرش‌های پژوهشگران و مسئولان لزوماً تأثیری بر پژوهش یا سیاست‌های برآمده از پژوهش ندارد. در نگاه دوم، پژوهش ایده است. در این دیدگاه به‌جای جزئیات پژوهش و داده‌های آن، تأکید بر ایده‌ها و افکار است. این دیدگاه مخصوصاً در امور پیچیده که فهم آن‌ها آسان نیست و همهٔ جوانب و عوامل مؤثر بر آن با قطعیت شناخته‌شده نیست کارآمد است. مثلاً مبارزه با اعتیاد فقط از راه تولید داده‌ها ممکن نیست، بلکه به افرادی نیاز است که هم به داده‌ها اشراف دارند و هم خلاقیت نظری و عملی دارند و می‌توانند ایده‌هایی را مطرح کنند. در نگاه سوم، پژوهش نقش احتجاج را دارد، یعنی از پژوهش برای تبیین و پیشبرد موضع بخصوصی استفاده می‌شود. در این نگاه از داده‌ها به طور انتخابی استفاده می‌شود و بر داده‌هایی که موضع فرد یا گروه ذی‌نفع را نفی می‌کنند سرپوش گذاشته می‌شود. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاران یا گروه‌های فشار از قبل تصمیم خود را گرفته‌اند و از پژوهش فقط به طور ابزاری استفاده می‌کنند (ویس، ۱۹۹۱: ۳).

از لحاظ دیگر، تحقیقات را می‌توان از نظر عملی یا نظری بودن به چهار نوع تقسیم کرد (رایمرز و مک‌گین، ۱۹۹۷: ۲۲). اول تحقیقات آکادمیک یا پژوهش در مورد روش‌ها، مدل‌ها، مفاهیم و تبیینات است که هرچند جنبهٔ آکادمیک دارد، برای تحقیقات عملی پیش‌زمینه‌ای لازم و ضروری است. اگر مدل‌ها و مفاهیم درست طراحی نشوند، تحقیقات عملی هم بالطبع به‌درستی انجام نخواهد شد. مثلاً پژوهش دربارهٔ رابطهٔ فقر و اعتیاد پژوهشی عملی است، ولی ابتدا باید دانست فقر چیست و چگونه می‌شود آن را اندازه گرفت یا رابطهٔ بین فقر و اعتیاد را چطور می‌توان مطالعه کرد. نوع دوم، تحقیقات مقدماتی است که از آن برای شناخت متغیرهای موجود در هر وضعیت و رابطهٔ بین آن‌ها استفاده می‌شود. نوع سوم، تحقیقات ابزاری است که پس از شناخت متغیرها (نوع دوم تحقیقات) به این سؤال می‌پردازد که چگونه می‌شود این متغیرها را دستکاری کرد تا نتیجهٔ دلخواه حاصل شود.

این نوع تحقیقات غالباً متکی بر آزمایش و خطاست. آخرین نوع تحقیقات ارزیابی نتایج در عمل است. باید توجه داشت که در عمل انواع مختلف پژوهش با هم دادوستد دارند و سیاست‌گذاران نمی‌توانند فقط بر تحقیقات ابزاری متمرکز شوند.

ب) کاربرد چیست؟

برخلاف تصور عام، «کاربرد» انواع مختلفی دارد و در نتیجه وقتی به دنبال تحقیقات کاربردی هستیم باید از قبل مشخص کرد که چه نوع کاربردی مورد نظر است. سرشناس‌ترین فرد در زمینه کاربرد تحقیقات کرول ویس است که در مقاله‌ای ماندگار در سال ۱۹۷۹ هفت معنی مختلف کاربرد را برشمرد. به گفته ویس، در اغلب اوقات تصور افراد بر این است که پژوهش باید فوراً و مستقیماً به حل مشکلات منجر شود وگرنه هیچ کاربردی نداشته است. این دیدگاه ناشی از نگاهی کوتاه‌نگرانه به «کاربرد»، «پژوهش» و «سیاست‌گذاری» است. به گفته ویس، در واقع نتایج پژوهش به انحای مختلف وارد عرصه سیاست‌گذاری می‌شود و نمی‌توان همیشه به‌آسانی تأثیر پژوهش بر سیاست‌گذاری را اندازه گرفت. مهم‌ترین راه‌های کاربرد پژوهش در سیاست‌گذاری از این قرارند (ویس، ۱۹۷۹: ۴۳۰-۴۲۸):

۱. مدل علمی

در این مدل، کار از تحقیقات پایه شروع می‌شود. سپس نوبت به تحقیقات کاربردی می‌رسد و در نهایت براساس این تحقیقات کاربردی، ابزار یا تکنولوژی مناسب ساخته می‌شود و در عمل به کار برده می‌شود. چنین مدلی در علوم طبیعی و مهندسی بسیار رایج است، ولی در علوم انسانی به‌ندرت دیده می‌شود.

۲. مدل مشکل‌محور

در این مدل فرض بر این است که مشکلی وجود دارد؛ در مورد این مشکل پژوهش می‌شود تا راه‌حلی پیدا شود و در عمل پیاده شود. در علوم اجتماعی وقتی از کاربرد صحبت می‌شود، بیشتر افراد همین مدل را در نظر دارند. اما در عمل چنین وضعیتی به‌ندرت دیده می‌شود و در نتیجه افراد از تحقیقات کاربردی دلسرد می‌شوند. در چنین مدلی تصور بر این است که سیاست‌گذاران و محققان در مورد اهداف اشتراک نظر دارند و وظیفه محقق این است که فقط راه عملی دستیابی به هدف را پیدا کند. همچنین تصور بر این است که سیاست‌گذاران دقیقاً می‌دانند که چه می‌خواهند و تنها چیزی که کم است، آمار و ارقام و داده‌ها است. در نتیجه، وقتی پژوهش کاربرد مورد نظر را ارائه نمی‌

دهد، به نظر می‌رسد محقق نتوانسته خواسته سیاست‌گذاران را برآورده کند و در نتیجه سیاست‌گذاران باید کنترل بیشتری بر پژوهش داشته باشند.

در عمل تحقیقات فقط در موارد معدودی بر سیاست‌گذاری تأثیر مستقیم دارند. این موارد شامل موقعیت‌هایی می‌شود که در آن موضوع مورد نظر کاملاً مشخص و محدود باشد، سیاست‌گذاران دست‌اندرکار کاملاً بر موضوع مورد نظر کنترل اجرایی داشته باشند و نتایج تحقیق با منافع یا ایدئولوژی آن‌ها در تضاد نباشد (ویس، ۱۹۷۹: ۴۲۸).

۳. مدل تعاملی^۱

در این مدل، سیاست‌گذاران از منابع مختلف شامل سیاست‌پردازان، وسایل ارتباط جمعی، روزنامه‌نگاران، گروه‌های فشار، دوستان و آشنایان، دستیاران و جامعه‌شناسان اطلاعات لازم را به دست می‌آورند.

۴. مدل سیاسی

وقتی از پژوهش استفاده می‌شود که از مواضع سیاسی خاصی حمایت کند. شاید جای تعجب باشد ولی این مدل از مؤثرترین مدل‌های تأثیرگذاری پژوهش بر سیاست‌گذاری است، یعنی سیاست‌گذاران معمولاً وقتی از پژوهش استفاده می‌کنند که نتایج آن مؤید مواضع سیاسی و ایدئولوژیک آن‌ها باشد. به نظر ویس، چنین وضعیتی اشکالی ندارد، منوط به اینکه منابع داده‌ها در دسترس عموم و قابل نقد باشند.

۵. مدل تاکتیکی

در این مدل، از پژوهش به طور تاکتیکی استفاده می‌شود. یعنی مسئولان برای خالی نبودن عریضه یا برای وقت‌کشی دست به پژوهش می‌زنند و به بهانه اینکه باید پژوهش بیشتری صورت گیرد از هرگونه اقدام عملی خودداری می‌کنند.

۶. مدل روشنگری

متداول‌ترین مدل کاربرد پژوهش در سیاست‌گذاری مدل روشنگری است. در این مدل انتظار نیست که پژوهش مستقیماً به ارائه راه‌حل‌های کاربردی منجر شود بلکه مفاهیم و نگرش‌های حاصل از پژوهش به تدریج در روند سیاست‌گذاری رخنه می‌کنند. به مرور زمان، دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های علوم اجتماعی وارد گفتار عام می‌شود و دیدگاه مردم و مسئولان را در مورد مسائل اجتماعی تغییر

1. Interactive

می‌دهد. در بعضی موارد، این فرآیند توجه عموم و سیاست‌گذاران را به مشکلاتی که قبلاً محسوس نبودند معطوف می‌کند (مثل مشکل کودک‌آزاری). در موارد دیگر، برعکس، چیزی که قبلاً مشکل پنداشته می‌شد به "نامشکل" تبدیل می‌شود، یعنی معلوم می‌شود که در یک مورد بخصوص حساسیت بی‌دلیل وجود داشته است. در نتیجه دستور عمل و اهداف سیاست‌گذاران به تدریج تغییر می‌کند. نتایج پژوهش‌ها، جدا از اینکه با نظرات سیاست‌گذاران همخوان باشند یا نه، منتشر می‌شوند و بر اعمال و افکار آن‌ها تأثیر می‌گذارند. البته این مدل مشکلاتی هم دارد. در درجه اول سرعت آن بسیار کند و حتی نامحسوس است. نتایج پژوهش‌ها در زمان انتشار عوام‌زده و حتی دستکاری می‌شوند و گاهی پژوهش‌های بد که ساده‌انگارانه یا پرسروصدا هستند بهتر شایع می‌شوند تا پژوهش‌های خوب. در نتیجه، ممکن است به جای روشنگری در واقع «تاریک‌گری» شود. دست آخر اینکه، در بعضی موارد، نتایج پژوهش‌ها پیچیده و متناقض‌اند و در نتیجه قابل شیوع در جامعه نیستند.

۷. پژوهش به‌عنوان ورزش فکری اجتماعی

در این مدل سه عنصر پژوهش، سیاست‌گذاری و دیدگاه‌های حاکم بر جامعه همه با هم در حال کنش و واکنش‌اند و از یکدیگر تأثیر می‌گیرند. پژوهش فقط ابزاری در دست مسئولان نیست بلکه بخشی از کل ورزش فکری جامعه است.

با در نظر گرفتن این هفت مدل مشخص می‌شود که از طرفی انتظارات از علوم اجتماعی نامعقول است و از طرفی دیگر از توانایی‌های واقعی علوم اجتماعی نیز استفاده بهینه نمی‌شود. اگر نظرات ویس را بپذیریم مشخص می‌شود که مهم‌ترین راه‌های تأثیرگذاری و کاربردی‌شدن علوم اجتماعی غیرمستقیم هستند (مدل روشنگری). لازمه کاربرد روشنگرانه پژوهش آن است که نتایج پژوهش‌های علوم اجتماعی در جامعه پراکنده شود و به طور مستقیم و غیرمستقیم به روشنگری افکار سیاست‌گذاران منجر شود. متأسفانه مشاهدات نشان می‌دهد که در ایران برعکس این موضوع اتفاق می‌افتد، یعنی اینکه نتایج پژوهش عمدتاً فقط به دست سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران می‌رسد و هیچ تضمینی وجود ندارد که حتی آن‌ها هم گزارش‌های پژوهشی را بخوانند. ترویج عام نتایج پژوهش‌ها دست کم سیاست‌گذاران را مجبور به عمل و در مقابل عموم می‌کند. بهترین جا برای ترویج و روشنگری کلاس‌های درس است که بسیاری از سیاست‌گذاران حال و آینده در آن شرکت دارند. از لحاظی مشابه، کاپلان (۱۹۷۹) کاربرد را به دو نوع تقسیم کرده است: ابزاری و مفهومی. کاربرد ابزاری همان استفاده مستقیم از داده‌ها در تصمیم‌گیری است. این نوع کاربرد معمولاً برای

بهینه‌سازی و افزایش بهره‌وری در ادارات و سازمان‌ها مفید است، ولی فایده‌چندانی برای سیاست‌گذاری در امور پیچیده و زیربنایی ندارد. در چنین اموری کاربرد مفهومی از علم بیشتر رایج است. کاربرد مفهومی در واقع شباهت زیادی به مدل‌روشنگری مورد نظر ویس دارد. وقتی سیاست‌گذاران به اطلاعات و داده‌ها برای تصمیم‌گیری در امور ملی و کلان نیاز دارند، معمولاً اطلاعات مورد نیاز خود را از گزارش‌های پژوهشی، روزنامه‌ها و مجلات علمی می‌گیرند. در این موارد سیاست‌گذاران فقط به یک گزارش تکنیکی و علمی بسنده نمی‌کنند، بلکه روح زمانه را هم در نظر می‌گیرند و به اجماع متفکران و افکار عمومی توجه می‌کنند. از این جهت مهم‌ترین نقش پژوهش آن است که نگرش سیاست‌گذاران فعلی و آینده را به مشکلات تغییر دهد و باورهای آن‌ها را به چالش بکشد (رایمرز و مک‌گین، ۱۹۹۷). بنابراین، پژوهش بیشتر بر سیاست‌گذاران "تأثیر" دارد تا برای سیاست‌گذاری "کاربرد" داشته باشد.

به عقیده لیندکوئیست (۲۰۰۱)، سیاست‌گذاران باید از پژوهش در حوزه‌های کاری خود حمایت کنند نه به چشم‌داشت کاربرد مستقیم، بلکه برای ایجاد بحث، گفتگو و مرادۀ افکار. بسیاری از این افکار و ایده‌ها هیچ‌گاه اجرا نخواهند شد ولی فضای غنی فکری برای سیاست‌گذاران ایجاد خواهند کرد، پیش‌فرض‌های آن‌ها را به چالش خواهند کشید و افق ذهنی و فکری آن‌ها را گشایش خواهند داد. درنهایت، آنچه از این بحث برمی‌آید آن است که در عمل نمی‌توان به‌سادگی از کاربرد یا عدم کاربرد نام برد، بلکه معمولاً تلفیقی از این دو وجود دارد.

بخش دوم: فرآیند سیاست‌گذاری و رابطه آن با پژوهش

معمولاً فرض بر این است که کاربردی‌کردن پژوهش فقط به محقق و نوع پژوهش او بستگی دارد. درنتیجه، به نقش فرآیند سیاست‌گذاری در کاربردی‌کردن توجهی نمی‌شود. اما اگر پروژه‌ای پژوهشی نتایج کاربردی مستقیم هم داشته باشد، در عمل تضمینی برای کاربردی‌شدن آن وجود ندارد. گاهی پژوهش‌ها اصلاً وارد فرآیند سیاست‌گذاری نمی‌شوند و اگر هم بشوند در چرخه سیاست‌گذاری ناپدید می‌شوند.

معمولاً تصور عام آن است که سیاست‌گذاری فرآیندی عقلانی است که در آن سیاست‌گذاران در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری به داده‌های پژوهشی استناد می‌کنند و بالطبع اگر داده‌ها و نتایج علمی در دسترس باشند حتماً از آن‌ها استفاده می‌کنند. اما در عمل اصول و رفتار عقلانی محض همیشه بر جریان سیاست‌گذاری حاکم نیست و در واقع منافع گروهی، ملاحظات سیاسی، واسطه‌های بیرونی، گروه‌های فشار و غیره در طرح سؤالات پژوهش و کاربردی‌شدن نتایج نقش عمده‌ای دارند. مثلاً گروه‌های ذی‌نفع، اگر اجازه فعالیت داشته باشند، می‌توانند با فشار به

سازمان‌های مسئول از راه‌های مختلف (لایه، رسانه‌های عمومی، نامه‌نگاری و غیره) آن‌ها را وادار به عمل کنند یا برعکس اگر اراده‌ای برای تغییر و اصلاح در مرکز یا سازمانی دولتی وجود داشته باشد، این گروه‌ها می‌توانند به حمایت معنوی و عملی از آن سازمان بپردازند و در جهت پیشبرد آن اهداف (از طریق قانون‌گذاری، بحث در مطبوعات) و غیره کمک کنند.

وجود گروه‌های ذی‌نفع از جهتی دیگر نیز مهم است. رابطه‌ی عالمان و حاکمان رابطه‌ای مسئله‌دار است، چون هر دو متعلق به طبقات قدرتمند جامعه‌اند. در نتیجه، احتمال دارد در اثر بی‌کفایتی، دوری از واقعیات، یا در اثر بلندپروازی بیش از اندازه دست به تغییرات و اصلاحاتی بزنند که لزوماً برآمده از خواسته‌های مردمی نیست. گاهی وجود گروه‌های ذی‌نفع می‌تواند از این وضعیت پیشگیری کند. مهندسی اجتماعی، یعنی تلاش برای بهینه‌سازی جامعه براساس نظرها و روش‌های علمی (یا به‌ظاهر علمی)، امری بسیار رایج است که در همه کشورهای صورت می‌گیرد. از کشف حجاب تا آموزش همگانی برای کنترل موالید. ایران خود موارد زیادی از مهندسی اجتماعی را تجربه کرده است. این تجارب در کشورهای دیگر نیز کمیاب نیستند. اما همیشه این خطر وجود دارد که سیاست‌گذاران دچار افراط شوند و براساس نظریات علمی، نیمه‌علمی و ایدئولوژیک برای انجام تغییراتی تلاش کنند که جایی برای پذیرش در جامعه ندارند یا حتی منجر به آسیب‌های اجتماعی کوتاه و بلندمدت می‌شوند. در دوران حاکمیت کمونیسم در بلوک شرق چنین تجربیاتی فراوان انجام شد و بسیاری از آن‌ها به دلیل بسته بودن نظام‌های بوروکراتیک و علمی به‌جایی نرسید و جز افزودن به بار اداری و مالی نظام سودی نداشت.

نکته قابل توجه دیگر در سیاست‌گذاری آن است که معمولاً تغییرات کلان و اساسی بدون حمایت مسئولان بالادستی و بسیج همه‌جانبه امکانات ممکن نخواهد بود. این تصور که مثلاً برای رفع اعتیاد یا کم‌کردن میزان خودکشی در ایلام می‌شود چند محقق را استخدام کرد و نتایج پژوهش آن‌ها را به دست مسئولان ذی‌ربط داد غلط است. موفقیت در چنین امور کلانی منوط به آن است که اولاً اهداف بزرگ (مثل ریشه‌کنی اعتیاد) به اهداف کوچک‌تر تقسیم شوند (مثلاً کاهش احتمال اعتیاد در نوجوانان در مدرسه) و حمایت و عزم مسئولان بالادستی برای انجام آن جلب شود (کاری که در طرح کنترل موالید در ایران صورت گرفت). به طور خلاصه، مسئولان بالادستی هم خود گروهی ذی‌نفع هستند که باید به روند سیاست‌گذاری وارد شوند.

در کل، برای اعمال موفقیت‌آمیز تغییرات لازم است که مشکل دقیقاً تعریف شده باشد، راه‌حل آن نیز پیدا شده باشد، زمان و مکان مناسب باشد و افرادی در داخل و خارج از نهادهای سیاسی پشتوانه و مبلغ آن باشند.

تعریف مشکل: گاهی مشکلی وجود دارد، ولی به‌عنوان مشکل تعریف نمی‌شود، چون افراد به آن

عادت کرده‌اند یا آن را نمی‌بینند. در نتیجه، نمی‌توان فرض را بر آن گرفت که همه افراد مسئول و افکار عمومی در مورد "مشکلات" توافق نظر دارند یا حتی مشکلات را می‌بینند و می‌شناسند. آگاهی‌رسانی در مورد "مشکل" اولین قدم برای حل آن است.

ارائه و پیشبرد: گاهی راه‌حل مناسب وجود دارد ولی به طور مؤثر ارائه نشده است. وجود راه‌حل برای اعمال سیاست‌های جدید لازم است ولی کافی نیست. راه‌حل‌ها باید اجرایی باشند و با ارزش‌های حاکم در تضاد نباشند. از آن گذشته، راه‌حل‌ها باید توسط افرادی متعهد و با نفوذ کلام یا با قدرت (با هردو) تبلیغ و پیش برده شوند (کینگدان، ۱۹۸۴: ۱۳۰). به چنین شخصیت‌هایی سیاست‌آفرین گفته می‌شود که معمولاً از چند خصیصه برخوردارند: نفوذ کلام که برخاسته از تخصص یا قدرت است، برخورداری از روابط و مهارت‌های سیاسی، و پشتکار و سماجت (کینگدان، ۱۹۸۴: ۱۹۰). این افراد باید حاضر باشند در طول ماه‌ها و سال‌ها راه‌حلی پیدا کنند و سیاست‌گذاران و سیاستمداران را آماده پذیرش آن کنند و منتظر فرصت مناسب بنشینند تا شاهد اعمال آن راه‌حل شوند.

اعمال: سومین و آخرین گام، گام سیاسی است؛ یعنی فضای سیاسی برای اعمال راه‌حل‌ها باید مناسب باشد. مردم باید آماده پذیرش آن باشند، گروه‌های حاکم و احزاب بانفوذ سیاسی باید با آن موافق باشند و دولت حاکم پیگیر اعمال آن باشد. هر راه‌حلی، هرچند هم ایده‌آل باشد، باید در زمان و فرصت سیاسی - اجتماعی مناسب ارائه شود، نه زودتر و نه دیرتر. مثلاً موفقیت طرح کاهش موالید در ایران که از نظر جهانی شناخته‌شده و ممتاز است، منوط به شرایط مناسب سیاسی و اجتماعی بود. از طرفی دولت وقت پذیرای ایده‌های بلندپروازانه بود و قدرت اعمال آن‌ها را هم داشت. از طرف دیگر به دلیل افزایش مخارج زندگی و تغییر ساخت اقتصادی کشور، خود مردم نیز کم‌کم دریافته بودند که داشتن فرزندان زیاد عقلانی نیست. چنین فرصت‌هایی نایاب و زودگذرند. در طرح کنترل موالید، بیشتر راه‌حل‌ها از قبل (ده‌ها سال پیش) شناخته شده بودند و تحقیقات لازم برای سالیان متمادی در کشورهای مختلف صورت گرفته بود. با ظهور شرایط مناسب نتایج این تحقیقات در ایران به سرعت به کار گرفته شد.

سیاست‌سرای

سیاست‌سرای در مرحله ارائه و پیشبرد سیاست‌ها (که در بالا به آن اشاره شد) نقش دارد. سیاست‌سرای مانند داستان‌سرای است. هرچند انسان‌ها موجوداتی عقلانی‌اند، معمولاً در کنار عوامل عقلانی و داده‌های عینی عوامل دیگر نیز در تصمیم‌گیری‌های آن‌ها مؤثرند. برای جلب توجه به یک موضوع معمولاً باید احساسات و علاقه افراد برانگیخته شود و موضوع به شکلی ساده، قابل فهم و در عین حال مؤثر بیان گردد. مسائل اجتماعی معمولاً پیچیده و مبهم‌اند و نه فهم دقیقی از آن‌ها وجود

دارد نه راه‌حلی فراگیر برای آن‌ها. ولی برای اعمال تغییرات لازم است که این مسائل به طور ساده و حتی به شکل داستانی تکرارپذیر بیان شوند تا سیاست‌گذاران و رسانه‌های ارتباط جمعی به آن علاقه‌مند شوند.

سیاست‌سرایي معمولاً برای ساده‌کردن مسئله فقط بر یک جنبه از آن تمرکز می‌کند و فقط یک یا چند راه‌حل محدود را ارائه می‌کند. در غیر این صورت، و با ورود عوامل پیچیده به مسئله، علاقه مسئولان یا عموم به موضوع کم می‌شود. مثلاً اگر گفته شود که "عامل بالابودن جرم در ایران اراذل و اوباش‌اند و راه مقابله با آن‌ها دستگیری گسترده و زندانی کردن همراه با کار شاق است" احتمال اینکه علاقه افراد به موضوع جلب شود بیشتر است تا اینکه گفته شود "جرم موضوعی پیچیده است و منشأهای مختلفی دارد و راه مقابله با آن تغییرات همه‌جانبه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است." البته همان‌طور که دیده می‌شود، سیاست‌سرایي مشکلاتی هم دارد. اولاً اینکه ممکن است مشکل را بیش از حد ساده کند یا حتی عده‌ای را بی‌جهت قربانی کند. دیگر آنکه وقتی مسئله‌ای به صورت عوامانه در جامعه یا در بین سیاسیون جا می‌افتد، امکان تغییر آن بسیار مشکل می‌شود. افکار و ایده‌های ساده بسیار قدرتمندند و معمولاً به دلیل همین قدرت است که می‌توانند مؤثر واقع شوند و جامعه‌ای را بسیج کنند. ولی همین قدرت است که باعث می‌شود تغییر این افکار سخت باشد و اگر درآینده معلوم شد که تفکر یا راه‌حلی از اول غلط بوده، ممکن است برای تغییر آن خیلی دیر باشد. در چنین وضعی، تنها راه تغییر این سیاست‌سرایي‌ها آن است که داستان دیگری که به همان اندازه قدرتمند و به همان اندازه ساده و باورکردنی است بافته شود تا با داستان قبلی و منسوخ مقابله کند (رو، ۱۹۹۱: ۲۹۰).

بخش سوم: موانع کاربرد

محققان اتفاق نظر دارند که حتی در مواردی که پژوهش حالت ابزاری دارد و سیاست‌گذاران هم مایل به استفاده از آن هستند، کاربردی‌شدن آن تضمین شده نیست. دلایل زیادی برای این امر آورده شده، از جمله تفاوت فرهنگی بین محققان و سیاست‌گذاران، کیفیت تحقیقات (نقص، ابهام و تناقض در نتایج تحقیقات)، و نامفهوم‌بودن زبان محققان برای سیاست‌گذاران.

الف) فرهنگ

مشهورترین نظریه در این زمینه متعلق به کاپلان (۱۹۷۹) است که در آن از وجود "دو فرهنگ" یاد شده است. به عقیده کاپلان، سیاست‌گذاران متأثر از اهداف و مقاصد سیاسی‌اند و در تصمیم‌گیری‌ها

مجبورند هم به آرای عمومی و هم نظرات بالادستی‌ها توجه داشته باشند. پایبندی به ایدئولوژی حزبی نیز بخشی از "فرهنگ" سیاست‌گذاران است. در عوض، محققان، دست‌کم در مقام نظر، موظف‌اند بی‌طرفی را رعایت کنند و به دنبال حقیقت باشند. سیاست‌گذاران اعتراض می‌کنند که پژوهش‌های اجتماعی بی‌اندازه انتزاعی و پر از لغات علمی‌اند، در حالی که محققان اجتماعی ادعا دارند که سیاست‌گذاران کم‌حوصله‌اند، حاضر نیستند حقیقت را بپذیرند و با پژوهش به طور سلیقه‌ای رفتار می‌کنند.

سیاست‌گذاران معمولاً معطوف به قدرت و جلب رضایت افراد بالادستی هستند، در حالی که محققان اجتماعی طوری تربیت شده‌اند که منافع ضعیف و رانده‌شدگان را در نظر داشته باشند. بنابراین، این دو گروه اغلب در مورد تعریف مشکلات و راه‌حل آن‌ها اختلاف نظر اساسی دارند.

محققان ارزش علم را در متقن بودن آن می‌دانند، در حالی که سیاست‌گذاران و سیاستمداران ارزش علم را در فایده و کاربرد آن می‌دانند (رایمرز و مک‌گین، ۱۹۹۷: ۹۰). به عقیده میچل (۱۹۸۱) این مشکل را می‌توان تا حدی حل کرد، به شرطی که تعامل بین محقق و سیاست‌گذار بیشتر شود، سیاست‌گذاران حاضر به استفاده از داده‌های پژوهش باشند و محققان هم عوامل و موانع سیاسی پیش روی سیاست‌گذاران را در نظر داشته باشند. برای رفع این مشکل بعضی از محققان پیشنهاد داده‌اند که نقش سازمان‌های سیاست‌گذار در روند پژوهش باید افزایش یابد و همکاری نزدیک بین آن‌ها و محققان برگزار شود تا نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر شود (کلوبوکی و استراپکوا، ۲۰۰۴).

ب) کیفیت پژوهش

کیفیت پژوهش از دو نظر در سیاست‌گذاری اهمیت دارد. اولاً تحقیقاتی که کیفیت بالایی ندارند، کمتر احتمال عملی شدن دارند و حتی اگر عملی هم بشوند نتیجه چندان خوبی نخواهد داشت (کلوبوکی و استراپکوا، ۲۰۰۴). عوامل زیادی بر کیفیت پژوهش تأثیرگذار است. بعضی از این عوامل فنی هستند و بعضی سازمانی. قضاوت در مورد کیفیت فنی پژوهش به عهده متخصصان و محققان است و از مقوله این بحث خارج است. عوامل سازمانی مربوط به سازمان دهی کلی پژوهش و فرهنگ پژوهش در کشور است. مسئولیت اعمال تغییر در این زمینه به عهده سازمان‌های سفارش‌دهنده و مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی است و نه به عهده محققان. عوامل سازمانی در قسمت پایانی این مقاله بررسی شده‌اند.

پ) زبان علم

مشکل زبان علم بحثی است که در سال‌های اخیر مطرح شده و ریشه در حوزه بهداشت و سلامتی دارد. پس از سال‌ها پژوهش در مورد بهداشت و سلامتی، بعضی محققان به این نتیجه رسیده‌اند که تحقیقات موجود به دلیل تکنیکی و پیچیده بودن برای سیاست‌گذاران و گروه‌های ذی‌نفع قابل استفاده نیستند (لوماس، ۲۰۰۰؛ لیویس، ۲۰۰۳). در نتیجه، گذشته از پژوهش، لازم است که نتایج پژوهش به زبانی ساده برای سیاست‌گذاران ترجمه شود.^۱ به‌علاوه، نتایج تحقیقات باید به شکل پیام‌های تبلیغی (یا با قابلیت تبلیغ) برای عموم بیان شود. در سال‌های اخیر، مراکز پژوهشی و سازمان‌های سیاست‌گذار به تربیت و استخدام کارشناسانی اقدام کرده‌اند که هم به زبان علم آشنایی دارند و هم به زبان سیاسی و ژورنالیستی. این افراد با استفاده از تخصص خود تحقیقات علمی را برای سیاست‌گذاران (یا برای عموم) قابل فهم می‌کنند. به گفته لیویس و همکارانش (۲۰۰۳) در ترجمه علم این موارد باید ملحوظ شوند:

۱. پیام: پیام‌های قابل پیاده‌شدن بسیار مفیدتر از گزارش‌های پژوهشی هستند. در اینجا هدف آن است که با استناد به تحقیقات موجود آن‌ها را طوری جمع‌بندی کرد که "ایده" به دست آید نه اینکه صرفاً "داده‌ها" جمع‌بندی و عرضه شوند. به طور کلی، "ایده‌ای" که به شکل پیامی ساده بیان شده مفیدتر از صد صفحه داده است.

۲. مخاطبان مشخص: باید شرایط سازمانی و سیاسی موجود را در نظر گرفت. همچنین باید از قبل مشخص کرد که چه افرادی در تصمیم‌گیری‌ها نفوذ دارند و پیام پژوهش را برای آن‌ها نوشت.

۳. پیام‌دهنده: اعتماد و شایستگی پیام‌دهنده پیام را مؤثرتر می‌کند.

۴. فرآیند: بهتر است فرآیند ترجمه علم دوطرفه باشد، یعنی هم محققان و هم سیاست‌گذاران در آن فعال باشند.

بخش پنجم: جامعه‌شناسی در ایران

براساس مشاهدات میدانی نویسنده و مصاحبه‌های تفصیلی که با پژوهشگران باتجربه کشور در سال ۱۳۸۹ انجام شد، به نظر می‌رسد پژوهش‌های کاربردی در ایران با تحقیقات جامعه‌شناسی در کشورهای پیشرو در زمینه کاربردی کردن جامعه‌شناسی تفاوت عمده‌ای دارند، از این جهت که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها پروژه‌های سفارشی هستند نه پروژه‌های اعتباری (گرنٹی) (ر.ک بیات‌ریزی، ۲۰۱۰). در حالت اول، دستگاه‌های دولتی مبالغی را برای پژوهش در اموری خاص (مثل جمع‌آوری

1. knowledge translation

آمار جدید یا ارزیابی عملکرد) اختصاص می‌دهند و نتایج پژوهش هم غالباً در اختیار همان دستگاه قرار می‌گیرد و لزوماً در دسترس دیگران قرار داده نمی‌شود. تحقیقات جامعه‌شناسی کاربردی در ایران زاده دولت و نیازهای دولتی در زمان حکومت سابق بوده است. آن‌چنان‌که احسان نراقی، از بنیان‌گذاران تحقیقات اجتماعی در ایران، بیان می‌کند از ابتدا به دلیل کمبود بودجه برای تحقیقات مستقل، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به‌عنوان اولین مؤسسه از نوع خود، مجبور شد برای تهیه بودجه پژوهشی به دستگاه‌های دولتی رو بیاورد و در این فرآیند تحقیقات پایه فدای نیازهای روز و امور فوری شد (نراقی، ۱۳۷۹: ۱۵۶؛ پهنام، ۱۳۷۶: ۱۸۲). این وضعیت هنوز نیز ادامه دارد.^۱ به گفته پژوهشگران ایرانی مورد مصاحبه، دولت همچنان عمده‌ترین و شاید بتوان گفت تنها منبع حمایت مالی از تحقیقات بزرگ کاربردی است. این شرایط تأثیرات زیادی در روند توسعه جامعه‌شناسی در ایران داشته است.

البته در کشورهای دیگر نیز دستگاه‌های دولتی به محققانی نیاز دارند که عملکرد و سیاست‌های آن‌ها را ارزیابی کنند یا راه‌کارهای جدید ارائه دهند، ولی این کارها غالباً در خود سازمان و توسط سیاست‌پردازان داخلی آن‌ها انجام می‌شود یا به شکل اعتباری (گرنٹ) به محققان بیرونی داده می‌شود. گزارش‌های تهیه‌شده نیز عمدتاً در دسترس عموم قرار می‌گیرد و می‌تواند مورد نقد واقع شود. در ضمن تینک تانک^۲ و محققان مستقل نیز در ارزیابی عملکرد دولت نقش فعال دارند و به شفافیت امور کمک می‌کنند.

به گفته خبرگان و پژوهشگران آشنا با روند پژوهش‌های سفارشی در ایران، وضعیت موجود در ایران و اتکای پژوهشگران به پروژهای سفارشی باعث ضعف دانش پایه‌ای و پرورش روحیه سودجویی و پنهان‌کاری در پژوهش می‌شود. در نتیجه، هم علم جامعه‌شناسی آسیب می‌بیند، هم خزانه دولت. در نهایت هم نتیجه‌چندانی از این تحقیقات حاصل نمی‌شود و سودی به مردم نمی‌رسد. در زیر، با اتکا به مشاهدات و استناد به مصاحبه‌های صورت‌گرفته با پژوهشگران ایرانی، به خصوصیات و مشکلات ناشی از وضعیت کنونی تحقیقات کاربردی در ایران می‌پردازیم و در ادامه راه کارهایی نیز ارائه می‌دهیم.

۱. در این مورد مقالات و کتاب‌های زیادی در ایران منتشر شده است. برای خلاصه‌ای از آن‌ها نگاه کنید به فاضلی، ۱۳۸۶ و اسماعیلی، ۱۳۸۶.

2. Think tanks

الف) مشکل‌شناسی

۱. جدایی دانش پایه و دانش کاربردی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین خصیصه تحقیقات اجتماعی کاربردی در ایران جدایی بین پژوهش پایه‌ای و پژوهش کاربردی است (ر.ک قانع‌راد، ۱۳۸۸؛ اسماعیلی، ۱۳۸۶؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۸۷). معمولاً در میان کاربران و سفارش‌دهندگان دولتی فرض بر این است که پژوهش پایه‌ای سودی برای آن‌ها ندارد و در نتیجه بودجه پژوهشی آن‌ها صرف پژوهش کاربردی می‌شود. از طرفی دیگر، دانشگاه‌ها نیز بودجه مهمی برای حمایت از پژوهش پایه‌ای ندارند. در نتیجه جنبه مفهومی و روش‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران پیشرفت زیادی نکرده است. این وضعیت نه تنها به ضرر علم جامعه‌شناسی است بلکه به ضرر کاربران دولتی نیز هست.

این تصور که می‌توان پژوهش کاربردی را در خلأ نظری انجام داد غلط است. در مقاله‌ای با عنوان "هیچ چیز عملی‌تر از نظریه‌های خوب نیست"، پاسون (۲۰۰۳) ادعا می‌کند که در پژوهش همه‌چیز بر محور نظریه‌های خوب می‌گردد. همچنان‌که در بالا هم از قول رایمرز و مک‌گین (۱۹۹۷: ۲۲) ذکر شد، پژوهش کاربردی باید مبتنی بر پژوهش پایه‌ای و پژوهش مسئله‌شناسانه باشد. ولی در ایران، در غیاب پژوهش پایه‌ای، محققان کاربردی پروژه‌های خود را براساس فرضیات تخیلی آغاز می‌کنند. در کل، در بسیاری از تحقیقات ایرانی که ما توریق کرده‌ایم، بخش‌های نظری جنبه تزئینی دارد و بیشتر برای تطویل گزارش به کار می‌رود تا برای تدوین چهارچوب فکری و فرضیات مناسب. مثلاً در ایران تحقیقات زیادی در مورد رابطه فقر و جرم انجام شده است، ولی پژوهش پایه‌ای چندانی در مورد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، ریشه‌های فقر، نحوه بازتولید فقر از نسلی به نسل دیگر، روند تاریخی فقر، انواع فقر، اقتصاد سیاسی فقر، و رابطه فقر با سایر نابرابری‌های اجتماعی مثل قومیت و جنسیت انجام نشده است. بدون داشتن تصویری روشن و پایه‌ای از فقر ایرانی، هرگونه مطالعه خاص و کاربردی در مورد فقر و رابطه آن با جرم یا موضوعاتی از این قبیل مثل رهاکردن تیر در تاریکی است. همین وضع در مورد موضوعات دیگر از خشونت گرفته تا بیکاری، اعتیاد، انسجام اجتماعی، روابط بین نسلی، فرهنگ‌پذیری و غیره صادق است.

۲. جانشینی اولویت‌های دولتی به جای اولویت‌های علمی

هرچند در ایران دولت قصد ندارد تمامی موضوعات پژوهش را دیکته کند، در عمل بسیاری از پژوهش‌های کاربردی انجام‌شده حول اولویت‌های سازمان‌ها و ادارات دولتی‌اند. علت این امر آن است که چون این ادارات و سازمان‌ها منشأ اصلی حمایت مالی از تحقیقات‌اند، محققان معمولاً چاره‌ای جز مراجعه به آن‌ها و پذیرفتن پروژه از آن‌ها ندارند. مسلم است که هر سازمان دولتی اختیار دارد بودجه

پژوهشی خود را صرف موارد و موضوعاتی کند که برای آن سازمان اولویت دارد، اما تمرکز بر موضوعات دولتی باعث می‌شود قدرت خلاقیت و انعطاف‌پذیری علمی از محققان سلب شود و به جای کاوش آزاد در مورد مسائل مهم اجتماعی، به مطالعات تکراری در مورد موضوعات تکراری پرداخته شود. در نتیجه هم محقق ضرر می‌بیند و هم سازمان‌های سفارش‌دهنده. به علاوه، اولویت‌های پژوهشی دولت‌ها اغلب کوتاه‌مدت و ایدئولوژیک است و در نتیجه برنامه‌ریزی و پژوهش بلندمدت اغلب قربانی منافع کوتاه‌مدت می‌شود.

۳. نبود نتایج عملی و کاربردی

در ایران هم محققان و هم مسئولان دولتی گله دارند که تحقیقات دولتی و پروژه‌های به ارائه راه‌حل‌های عملی منجر نمی‌شوند. مثلاً سال‌ها در مورد خودکشی پژوهش شده ولی هیچ راه مناسبی برای پایین آوردن آمار آن پیدا نشده است. از طرفی، سازمان‌های دولتی ادعا می‌کنند محققان قادر نبوده‌اند راه‌های عملی ارائه کنند و از طرفی دیگر محققان عقیده دارند مسئولان در این امر مقصرند، چون مشکلات خود را به طور خیلی کلی تعریف می‌کنند و در ضمن بودجه‌ای برای یافتن راه‌های عملی و پیاده کردن آن راه‌حل‌ها اختصاص نمی‌دهند.

۴. توزیع و گسترش محدود علم

یکی از خصیصه‌های نگران‌کننده پژوهش در ایران سرّی بودن آن است. سازمان‌های دولتی ترس‌های بی‌پایه‌ای از مردم و از یکدیگر دارند و حتی حاضر نیستند نتایج تحقیقات خود را با سایر سازمان‌ها در میان بگذارند. این وضع نتایج منفی چندگانه‌ای دارد: الف) مسئولان هیچ‌وقت تحت فشار نخواهند بود که برای حل مشکلات اقدامی انجام دهند. مثلاً در بعضی مناطق ایران آمار خودکشی بالاست ولی اتفاقاً در همین زمینه است که ضد و نقیض‌گویی و پنهان‌کاری زیادی در مورد آمار و نتایج پژوهش‌ها وجود دارد. اگر مشکلات پنهان بمانند مسئولان مجبور نخواهند بود کاری برای حل آن انجام دهند. ب) سازمان‌های مردمی و غیردولتی به تحقیقات دسترسی نخواهند داشت و در نتیجه قادر نیستند مطالباتی از مسئولان داشته باشند یا آن‌ها را مجبور به اقدام کنند. پ) تحقیقات انباشته نخواهند شد و هر محقق باید از نقطه صفر شروع کند. محققان امکان آن را نخواهند داشت که از تحقیقات قبلی چیزی بیاموزند یا از تکرار اشتباه‌های آن‌ها بپرهیزند. ت) تحقیقات به بوتّه نقد گذاشته نخواهند شد. مسلماً پنهان‌کاری باعث می‌شود که اشکالات پژوهش مشخص نشود و در نتیجه کیفیت پژوهش رشد نخواهد کرد.

۵. روش‌های پژوهش و مقیاس پژوهش

وضعیت جمع‌آوری داده‌های خام در ایران از جهاتی وقت‌گیر و هزینه‌بر است. مشاهدات میدانی در ایران نشان می‌دهد بسیاری از پروژه‌های بزرگ ملی صرفاً به جمع‌آوری داده‌های خام می‌پردازند. نویسنده در زمان دانشجویی در چند مورد از این نوع پژوهش‌ها به‌عنوان دستیار و پرسشگر شرکت داشته است. این پروژه‌ها اغلب توسط محققان نامدار و استادان انجام می‌شوند و بالطبع هزینه آن‌ها بالاست. اگر هزینه‌های سازمانی و تشکیلاتی ناشی از شناسایی، استخدام و آموزش نیروی کار در هر کدام از این پروژه‌ها را نیز در نظر بگیریم، روشن است که اتلاف وقت و پول در این پروژه‌های مقطعی بسیار زیاد است. به‌علاوه، هم محققان و هم مسئولان شکایت دارند که دوباره‌کاری در پژوهش رایج است و اطلاعات به‌دست‌آمده از تحقیقات مختلف با یکدیگر هم‌خوانی ندارند. مهم‌تر از همه اینکه از ابتدا پژوهش در ایران در بسیاری از موارد مترادف با پژوهش کمی و پیمایشی بوده و هنوز هم هست (فانعی‌راد، ۱۳۸۸؛ بهنام، ۱۳۷۶؛ ۱۸۱؛ صدیق سروستانی، ۱۳۷۹؛ ۶۸). این امر از چند جهت تأثیر مخرب دارد: الف) محققان در جمع‌آوری اطلاعات، که کاری نسبتاً آسان است، حاذق می‌شوند ولی مهارت چندانی در تحلیل و فراتحلیل و ارائه راه‌حل پیدا نمی‌کنند. در نتیجه استاد و محقق به تکنسین تبدیل می‌شوند. ب) بسیاری از تحقیقات مهم و حیاتی در مرحله جمع‌آوری داده‌های خام در سطح ملی و استانی باقی می‌مانند. در نتیجه وقت و بودجه‌ای برای تحقیقات متمرکز و کوچک‌مقیاس باقی نمی‌ماند. اما تجربیات نشان می‌دهد که راه‌حل‌های عملی و کاربردی از دل تحقیقات ملی بر نمی‌آیند، بلکه از دل تحقیقات کوچک و محلی و متمرکز بیرون می‌آیند. مثلاً تحقیقات کمی نشان می‌دهد که بین جرم از یک طرف و فقر، کم‌سوادی والدین و ترک تحصیل از طرف دیگر، رابطه وجود دارد. ولی این تحقیقات فقط احتمال آماری را بیان می‌کنند و نمی‌توانند توضیح دهند که چرا علی مجرم شد و حسن مجرم نشد، هرچند هر دو در شرایط اقتصادی و اجتماعی یکسانی قرار داشتند. برای شناخت این عوامل و در نتیجه یافتن راهی برای پیش‌گیری از مجرم‌شدن افراد مطالعات خرد و کیفی لازم است.

ب) پیشنهادهای خاص برای بهبود رابطه سیاست‌گذاری و پژوهش در ایران

۱. سازمان‌دهی ملی و تعریف جامع از پژوهش

پیوند تحقیقات پایه و کاربردی می‌تواند به پیشرفت و بهبود هر دو منجر شود. از سازمان‌ها و ادارات دولتی نمی‌توان انتظار داشت که بودجه خود را صرف تحقیقات پایه‌ای کنند. بهبود در این وضع نیاز به بازنگری استراتژیک و ملی در مورد پژوهش دارد. وقت آن است که سازمانی ملی در زمینه تحقیقات ایجاد شود که هم از تحقیقات پایه‌ای و هم از تحقیقات کاربردی حمایت کند. این سازمان

قادر خواهد بود اولویت‌های پژوهشی کشور را تا حد امکان فارغ از جهت‌گیری‌ها و سلیقه‌های روز رؤسای وقت ادارات تعیین کند. سازمان‌هایی مثل شورای پژوهشی علوم اجتماعی و انسانی کانادا^۱ می‌تواند در این زمینه الگو باشد. تعیین اولویت‌ها و داوری در مورد پژوهش‌ها در چنین سازمانی بالطبع باید در دست پژوهشگران باشد.

۲. ملی کردن جمع‌آوری داده‌های خام

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، جمع‌آوری داده‌های خام در ایران از هم‌گسیخته و پرهزینه است و معمولاً محققان باید برای هر پروژه پژوهشی جداگانه اطلاعات جمع کنند. جمع‌آوری داده‌های خام کاری نسبتاً ساده است که نیاز به استاد و محقق دانشگاهی ندارد و باید به مرکز آمار ایران سپرده شود. این کار دست‌کم سه فایده دارد: هزینه‌های ملی پژوهش کمتر می‌شود و از دوباره‌کاری پرهیز می‌شود؛ محققان می‌توانند وقت خود را صرف تحلیل یا ظریف‌کاری داده‌ها کنند نه صرف طراحی و نظارت بر پرکردن پرسش‌نامه؛ و امکان مقایسه و نقد تحقیقات به طور شفاف فراهم می‌شود.

در بسیاری از کشورها مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات خام در سطح ملی و محلی به سازمان‌های ملی آمار و اطلاعات سپرده می‌شود. مثلاً در کانادا سازمان آمار کانادا مسئول جمع‌آوری داده‌های خام در بسیاری از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، بهداشتی و غیره است. این آمار در مقاطع زمانی مشخص (ماهانه، فصلی، سالانه، دوسالانه، و غیره) جمع‌آوری، استخراج و برای استفاده عموم آرشیو می‌شود. در تدوین سؤالات و موضوعات پرسش‌نامه‌ها به طور مستمر با متخصصان هر حوزه، شامل پژوهشگران و استادان دانشگاه‌ها مشورت می‌شود، زیرا هدف آن است که اطلاعات مورد نیاز آن‌ها در مقطع زمانی حاضر جمع‌آوری شود و پرسش‌نامه‌ها به روز باشند.

مثلاً محققانی که قصد پژوهش در مورد وضع بهداشت و سلامت نوجوانان را دارند، با مراجعه به مراکز آمار اطلاعات خام مورد نیاز خود را در مورد سن، جنس، وزن، درآمد، تحصیلات، وضع سلامت، محل زندگی، قومیت، و شرایط خانوادگی در میان جمعیت آماری مورد نظر خود به دست می‌آورند و لازم نیست وقت و هزینه خود را صرف پرکردن و کدگذاری پرسش‌نامه‌های ابتدایی کنند. در ضمن، از آنجا که همه محققان در زمینه بهداشت و سلامت به داده‌های یکسان دسترسی دارند، امکان مقایسه و نقد نتایج پژوهش آن‌ها آسان‌تر است و جریان پژوهش شفاف‌تر می‌شود. از آن گذشته، محققان می‌توانند با اتکا به داده‌های خام، طرح‌های خود را به بررسی عوامل و نکات ظریف تری اختصاص دهند که توجه به آن‌ها در پروژه‌های ملی و بزرگ ممکن نیست. مثلاً می‌توانند نمونه

1. Social Science and Humanities Research Council of Canada

کوچکی از جمعیت آماری ملی را انتخاب کنند و از آن‌ها اطلاعات ظریف‌تری به دست آورند که در پروژه ملی موجود یا مقدور نیست.

۳. تقسیم کار

در اغلب موارد پیدا کردن راه‌حل به عهده مسئولان است نه به عهده محققان. محقق می‌تواند تصویر روشنی از واقعیت به مسئولان بدهد، نتایج سیاست‌های موجود را بررسی کند، و راه‌حل‌های موجود و مطرح را به آزمایش بگذارد. ولی از آن‌ها نمی‌توان لزوماً انتظار داشت که راه‌حل‌های عملی ارائه کنند. این کار عمدتاً وظیفه مسئولان است که با تکیه به تحقیقات و داده‌ها و با مشاوره با محققان و متخصصان راه‌حل‌های عملی تدوین کنند.

۴. به‌کارگیری سیاست‌پردازان و مترجمان علم^۱

در دنیای واقعی، به طور طبیعی، فاصله زیادی بین مسئولان و محققان وجود دارد. مسئولان معمولاً وقت ندارند به کنفرانس‌های علمی بروند و نتایج تحقیقات را خطبه‌خط بخوانند. در ایران معمولاً گله می‌شود که نتایج پژوهش خوانده نمی‌شود و گویا انتظار آن است که رؤسای ادارات و وزارتخانه‌ها وقت خود را در کتابخانه اداره بگذرانند. طبیعی است که مدیران و وزرا وقت این کار را ندارند. در ضمن زبان پژوهش هم همیشه برای آن‌ها قابل فهم نیست و نتایج تحقیقات همیشه با هم هم‌خوانی ندارند. راه‌حل این مشکل استخدام و تربیت کارشناسانی به‌عنوان سیاست‌پرداز در سطوح میانی ادارات است که مدرک کارشناسی‌ارشد در زمینه علوم اجتماعی داشته باشند. وظیفه این اشخاص باید آن باشد که هم با مسئولان بالادستی و هم با محققان و جریان پژوهش در ایران و خارج در ارتباط باشند. این افراد باید به سفارش مسئولان بالادستی گزارش‌های پژوهشی را بخوانند، تحقیقات مختلف را با هم مقایسه کنند، از سوابق و تجارب عملی ایران و جهان باخبر شوند، و درنهایت، گزارش‌های خلاصه‌شده‌ای، با زبان ساده و حاوی راه‌حل‌های عملی پیشنهادی برای مسئولان بالادستی آماده کنند. به این گزارش‌ها، گزارش‌های سیاست‌گزاری یا برنامه‌ای^۲ گفته می‌شود. مثلاً چنانچه وزارت دادگستری قصد تجدیدنظر در قانون حضانت را دارد، این کارشناسان موظف می‌شوند که تحقیقات موجود در این زمینه را بیابند (اگر پژوهشی وجود ندارد، درخواست بودجه پژوهشی کنند)، نتایج تحقیقات را با هم مقایسه کنند و خطوط کلی آن‌ها را خلاصه کنند، چند راه‌حل عملی تدوین کنند و درنهایت گزارشی به وزیر دادگستری بدهند. این فرآیند مستلزم شرایطی است: الف)

1. Policy analyst and knowledge translators
2. Policy papers

تصمیمات یک‌شبه گرفته نشوند. ب) ادارات دولتی و نهادهای دانشگاهی و مراکز پژوهشی تحقیقات خود را در اختیار یکدیگر بگذارند. پ) از تحقیقات به طور مستمر و جدا از نیازهای روز حمایت شود تا اگر روزی به نتایج آن‌ها احساس نیاز شد، در اختیار باشند. ت) ایجاد و تقویت رشته سیاست‌پردازی در نظام آموزش عالی به منظور تعلیم کارشناسان سیاست‌پرداز ضرورت دارد. ث) سازمان‌های دولتی برای پیدا کردن راه‌حل‌های عملی فقط به محققان تکیه نکنند، بلکه ظرفیت کارکنان خود را برای تدوین راه‌های عملی براساس تحقیقات علمی افزایش دهند. معمولاً محققان برای ارائه و تحلیل اطلاعات مفیدند و کارشناسان برای یافتن راه‌حل براساس آن اطلاعات.

۵. التزام نهادهای دولتی به استفاده از برنامه‌های مبتنی بر شواهد علمی

یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های اخیر در زمینه نزدیک کردن علم و عمل آن است که بعضی از کشورها امروزه ادارات و سازمان‌های دولتی را ملتزم می‌کنند که سیاست‌ها و برنامه‌های جدید خود را شاهد محور (مبتنی بر شواهد علمی)^۱ کنند. در غیر این صورت، نهادهای دولتی اجازه نخواهند داشت آن را اجرایی کنند و بودجه‌ای هم دریافت نخواهند کرد. این کار موجب خواهد شد که از تصمیم‌های فصلی یا یک‌شبه یا دلخواهی پیش‌گیری شود.

۶. دخالت دادن مردم و افراد محلی در پژوهش

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها در زمینه نزدیک کردن علم و عمل آن است که از دیدگاه‌ها و تجارب افراد محلی در امر پژوهش و ارائه و اعمال راه‌حل کمک گرفته شود.^۲ این دیدگاه هم در کشورهای فقیر و هم در کشورهای غنی به کار گرفته شده است. این کار نه تنها باعث برخورداری محققان از دیدگاه‌ها و تجارب مسئولان و مقامات محلی می‌شود، بلکه مردم را هم برای اعمال تغییر بسیج می‌کند.

۷. زیان‌کاهی^۳

سنگ بزرگ نشانه نژدن است. یکی از موانع کاربردی شدن علم بلندپروازانه بودن اهداف است. از پیشرفت‌های اخیر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در امور اجتماعی آن است که مسئولان در نهایت پذیرفته‌اند که همه مشکلات اجتماعی را نمی‌توان از بین برد، ولی می‌توان آثار مخرب و صدمات ناشی از آن‌ها را کم کرد. صدمه‌زدایی در ایران هم امتحان شده است، مثلاً چند سال پیش بعضی از زندان‌های ایران به پخش سرنگ بهداشتی اقدام کردند که نشانه‌ای از پذیرش این موضوع بود که در

1. Evidence-based policy
2. Community-based research
3. Harm reduction

حال حاضر نمی‌توان مصرف مواد مخدر در زندان‌ها را به کلی متوقف کرد، ولی می‌توان صدمات ناشی از آن را، مثل گسترش بیماری‌های مسری در زندان، کم کرد. بدیهی است که نه فقط در ایران بلکه در تمام جهان گروه‌هایی در مقابل این روش مقاومت می‌کنند ولی چنانچه پژوهشگران آزادی و شجاعت اظهارنظر در موارد حساسیت‌زای سیاسی و فرهنگی را داشته باشند، امکان واقع‌نگری در تحقیق و سیاست‌گذاری بیشتر خواهد شد.

سخن نهایی

رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری پیچیده است. پژوهش همیشه در خدمت سیاست‌گذاری نیست و نباید باشد. محققان تکنسین یا مهندس اجتماعی نیستند و نمی‌توان و نباید از آن‌ها انتظار داشت جامعه را یک‌شبه تغییر دهند. دست‌کم از زمان دورکیم (و حتی می‌شود گفت ابن‌خلدون) این آگاهی وجود داشته است که هر جامعه‌ای طبق طبع ذاتی و قانون درونی خود تغییر و تحول پیدا می‌کند. جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران می‌توانند تغییراتی کوچک اعمال کنند که جوابگوی بعضی شرایط بحرانی باشد ولی تغییر بنیادی جامعه از راه پژوهش و مهندسی اجتماعی ناممکن است. مشهورترین تجربه در زمینه مهندسی اجتماعی و فرهنگی در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای بلوک شرق انجام شد که کارآمدی چندانی نداشت و با فروپاشی بلوک شرق به فراموشی سپرده شد. اما در کنار این، نمونه‌های بسیار زیادی هم در ایران و هم در خارج از ایران وجود دارد که پژوهش و سیاست‌گذاری با موفقیت دست به دست یکدیگر داده‌اند. در بعضی از این موارد، رابطه بین پژوهش و سیاست‌گذاری متکی به سال‌ها پژوهش و رشد خرد جمعی در میان سیاست‌گذاران بوده است. در نهایت، باید توجه داشت که رابطه بین علم و سیاست یا پژوهش و سیاست‌گذاری ساده و مستقیم نیست. بسیاری از تحقیقات به سیاست‌گذاری تبدیل نمی‌شوند و بسیاری از سیاست‌ها بر پژوهش مبتنی نیستند. عوامل سیاسی، ایدئولوژیک، سازمانی و همچنین ضعف تحقیقات باعث می‌شود که رابطه تحقیقات و سیاست‌گذاری گسسته شود.

ولی هیچ‌کدام از این‌ها بدین معنا نیست که نباید برای تحقیقات بودجه‌ای صرف کرد. برعکس، تأثیر تحقیقات بر سیاست و سیاست‌گذاری معمولاً بلندمدت، کند و نامحسوس است. سیاست‌گذاران فعلی و آینده از طریق تحصیلات رسمی، سمینارها، گپ‌های خصوصی، مشاوره، مطبوعات، فضای فکری جامعه و غیره با تحقیقات روز آشنا می‌شوند. هرچه این تحقیقات غنای کمی و کیفی بیشتری داشته باشند، امکان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها بیشتر می‌شود.

در کنار تحقیقاتی که معطوف به راه‌حل‌های عینی کوتاه‌مدت‌اند، باید جا و بودجه برای تحقیقات به‌طور کلی باز باشد تا بتوانند رفته‌رفته فضای فکری و دیدگاه مردم و مسئولان را تغییر دهند.

سیاست‌گذاران آگاه که سال‌ها در جریان تحقیقات قرار گرفته‌اند معمولاً خود می‌توانند با استفاده مستقیم و غیرمستقیم از این تحقیقات و بدون نیاز به کمک مستقیم محققان راه‌های عملی برای حل مشکلات خود پیدا کنند.

در پایان، نتایج این پژوهش مقدماتی در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که هرچند محققان کشور به بهبود کیفی علمی خود نیاز دارند، مهم‌ترین قدم برای بهبود رابطه علم و عمل، پژوهش و سیاست، در ایران باید از طرف مسئولان برداشته شود. مسئولان و سازمان‌ها انگیزه چندان برای استفاده معقول و متداوم و نظام‌مند از علم ندارند، انتظارات آن‌ها از علم زیاد است و هنوز درک آن‌ها از نیازهای خود و توانایی‌های علم و پژوهش روشن نیست. تنها با تصحیح فرهنگ سازمانی پژوهش در کشور است که می‌توان انتظار داشت رابطه علم و عمل بهبود یابد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران*، تهران: کلمه.
- اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۸۶) «بحران جامعه‌شناسی در ایران: گفتگویی با جامعه‌شناسان کلاسیک»، *مجله رشد علوم اجتماعی*، دوره یازدهم، شماره ۲: ۴۳-۳۲.
- بورووی، مایکل (۱۳۸۶) «جامعه‌شناسی مردم‌مدار»، ترجمه نازنین شاهرکنی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۸ (۱): ۱۶۸-۲۰۱.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۶) «علوم اجتماعی و توسعه در ایران»، *ایران‌نامه: مجله تحقیقات ایران‌شناسی*، سال پانزدهم، شماره ۲: ۱۹۸-۱۷۵.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۹) «فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌های اجتماعی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۵: ۱۳۳-۶۷.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۶) «ناکارآمدی جامعه‌شناسی در ایران»، *مجله رشد علوم اجتماعی*، دوره یازدهم، شماره ۲: ۳۰-۲۲.
- قانع‌راد، محمدمبین (۱۳۸۸) «بررسی انتقادی دو روایت از رویکرد مهندسی اجتماعی علوم اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ۳۷: ۱۷-۳۰.
- نراقی، احسان (۱۳۷۹) *نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران*، تهران: سخن.
- Bayatrizi, Zohreh (2010) "Knowledge Is not Power: State-Funded Sociological Research in Iran", *Current Sociology*, 58 (6): 811-32.
- Burawoy, Michael (2005) "Public Sociology: Populist Fad or Path to Renewal?", *British Journal of Sociology*, 56 (3): 417-432.
- Caplan, Nathan (1979) "The Two-Communities Theory and Knowledge

- Utilization”, *American Behavioral Scientist*, 22 (3): 459-70.
- Grindle, Merilee and John W. Thomas (1990) “After the Decision: Implementing Policy Reforms in Developing Countries”, *World Development*, 18 (8): 1163-81.
- Grindle, Merilee and John W. Thomas (1991) *Public Choices and Policy Change: The Political Economy of Reform in Developing Countries*, Baltimore and London: The John Hopkins University Press.
- Haas, Peter (1992) “Introduction: Epistemic Communities and International Policy Coordination”, *International Organization*, 46 (1): 1-35.
- Kingdon, John (1984) *Agendas, Alternatives and Public Policies*, Boston Toronto: Little Brown & Company.
- Klobucky, Robert and Katarina Strapcova (2004) “Knowledge Utilization in Public Policy: The Case of Roma Population Research in Slovakia”, *International Social Science Journal*, 179: 57-74.
- Lavis, John et. al. (2003) “How Can Research Organizations Transfer Research More Effectively to Decision Makers?”, *The Milbank Quarterly*, 81 (2): 221-48.
- Lindquist, Everett (2001). “Discerning Policy Influence: Framework for a Strategic Evaluation of IDRC-Supported Research”, Report submitted to IDRC.
- Lomas, Jonathan (2000) “Using 'Linkage and Exchange' to Move Research into Policy at a Canadian Foundation”, *Health Affairs*, 19 (3): 236-40.
- Mitchell, Douglas (1981) “Social Science Utilization in State Legislatures”, *Review of Research in Education*, 9: 257-308.
- Neilson, Stephanie (2001) “IDRC-Supported Research and its Influence on Public Policy, Knowledge Utilization and Public Policy Processes: A Literature Review”, Published by Evaluation Unit, IDRC, Ottawa, Canada.
- Pawson, Ray (2003) “Nothing as Practical as Good Theory”, *Evaluation*, 9 (4): 471-90.
- Reimers, Fernando and Noel McGinn (1997) *Informed Dialogue: Using Research to Shape Education Policy Around the World*, Connecticut and London: Praeger.
- Roe, Emery (1991) “Development Narratives, or Making the Best of Blueprint Development”, *World Development*, 19 (4): 287-300.
- Sabatier, Paul and Hank Jenkins-Smith (eds.) (1993) *Policy Change and Learning: An Advocacy Coalition Approach*, New York: Westview Press.
- Sutton, Rebecca (1999) “The Policy Process: An Overview”, Report published by Overseas Development Institute. London.
- Weiss, Carol (1977) “Research for Policy’s Sake: The Enlightenment Function of Social Science Research”, *Policy Analysis*, 3 (4): 531-45.
- Weiss, Carol (1979) “The Many Meanings of Research Utilization”, *Public*

Administration Review, 39 (5): 426-31.
Weiss, Carol (1991) "Policy Research as Advocacy: Pro and Con",
Knowledge & Policy, 4 (1/2): 37-56 (accessed on-line through Academic
Search Elite 2001/05/25).